

موردکاوی

دریافت پیشنهاد شغل جدید - گزینشی سخت

دکتر مجید پسران قادر

امید راد در حالی که به پنجره خیره شده بود در دفتر کارش نشسته بود. تا امروز همه چیز زندگی رو به راه به نظر می‌رسید. او ۳۲ سال دارد، متأهل و صاحب دو فرزند سالم و بانشاط است و رضایتمند از داشتن خانه‌ای تازه که اخیراً موفق به خرید آن شده است و آن را مرهون دیدگاه بلند رئیسش و حسن سلیقه همسرش مریم می‌داند. وی لیسانس مدیریت خود را از دانشگاه اصفهان گرفته و اکنون در دوره مؤسسه عالی آموزش و پژوهش به تحصیل در دوره فوق‌لیسانس مدیریت باگرایش توسعه مشغول است. در ده سال گذشته، پس از دانش‌آموختگی از دانشگاه، در شرکت مهرآوران که خدمات مشاوره مدیریتی ارائه می‌دهد، و از حسن شهرت در تجویل کار برخوردار است، مشغول به کار است.

اخیراً این شرکت در خدمات مشاوره‌ای فرامرزی نیز فعالیت دارد و امکان ترفیع به سمت ریاست نمایندگی یکی از شعبه‌های خارج از کشور نیز برایش وجود دارد. شرکت مهرآوران در سال ۱۳۷۰ تأسیس شد و با افت و خیزی سریع در طول سالها رشد کرد و به وسعت کنونی رسید وضع شرکت ثابت و مستحکم است. به طور مداوم سود داشته است و به نظر می‌رسد آینده‌اش تأمین باشد. وقتی امید در سمت کارورز مدیریت شروع به کار کرد، احساس خوشبختی می‌کرد از اینکه چنین شرکت خوبی او را برگزیده است و پیش‌بینی می‌کرد که ممکن است شغل مؤثرتری در آن شرکت داشته باشد. وی خیلی خوب پیشرفت کرده بود، و پس از چندین نوبت ترفیع اینک سرپرست بخش سیستمها و روشهای شرکت است. بیست و دو کارشناس را سرپرستی می‌کند و مسؤول

پروژه‌های این حوزه است. سرپرست مستقیم او جواد خجسته مدیر امور مدیریت و سیستمها، ۴۸ سال دارد که ۲۲ سال است در اینجا کار می‌کند. وی بیشتر دوست است تا رئیس. همیشه از عملکرد امید ستایش می‌کند و به او اطمینان می‌دهد که در شرکت مهرآوران آینده بسیار درخشانی خواهد داشت.

حدود چهل روز پیش مصطفی شادان مدیر عامل شرکت مشاوره‌ای کیفیت یار به امید تلفن زد. آقای شادان گفت در جستجوی جانشینی برای احمد عابد رئیس دفتر نمایندگی شرکت در اصفهان است که دارد بازنشسته می‌شود. وی اشاره کرد که شریک کاری‌اش امید را برای این شغل پیشنهاد کرده است و امید را به دادن درخواست کار تشویق کرد. آقای شادان کاملاً اطمینان داشت و امید با اینکه خیلی تردید داشت که شرکت مهرآوران را ترک می‌کند با مصاحبه موافقت کرد.

شرکت مشاوره‌ای کیفیت یار شرکت مشهوری در سطح کشور است که مدت ۲۰ سال است در زمینه کیفیت و استاندارد کار می‌کند. مالکیت شرکت خصوصی و متعلق به آقای مجید نیکبخت و آقای شادان است و از شرکت مهرآوران کوچکتر است. کیفیت یار شرکت خیلی بزرگی نیست و دو مجله فارسی و انگلیسی و کتابهای مفیدی در زمینه مدیریت کیفیت چاپ می‌کند که در اشتهارش بی‌تأثیر نبوده است. به طور استثنایی در تمام مدت موجودیتش سودآور بوده است. در حال حاضر شرکت هم از لحاظ پروژه‌های در دست اجرا و هم از لحاظ ملی وضع خوبی دارد. در جریان مصاحبه امید آقای شادان، آقای نیکبخت و بقیه کارکنان کیفیت یار را خوش‌رفتار و دوست‌داشتنی یافت. ولی مشاهده کرد که عملیات شرکت فقط در ظاهر خوب است. آقای شادان تأکید می‌کرد که فرد جدیدالاستخدام از اختیارات کامل در دفتر نمایندگی برخوردار خواهد بود، و تا سر حد امکان در اداره طرحها و پروژه‌های شرکت و اتخاذ تصمیمها آزادی خواهد داشت. با کمال تعجب امید تصمیم‌گیری را به مصاحبه‌های بعدی موکول کرد تا کندوکاو بیشتری درباره امکانات اشتغال، به عمل آورد.

دومین و سومین دوره مصاحبه‌ها به خوبی برگزار شد. امروز آقای شادان به امید تلفن زد و پیشنهاد کار به او را با حقوقی بیش از دو برابر حقوق کنونی امید تکرار کرد. امید با تشکر زیاد درخواست کرد به او وقت بدهند موضوع را با خانواده‌اش مطرح و

تصمیم‌گیری کند. آقای شادان موافقت کرد و گفت امیدوار است امید پیشنهاد را بپذیرد و به شرکت خوب آنها بپیوندد.

امید سردرگم بود. از یک طرف در شرکتی بزرگ پیشرفت خوبی داشت و از زندگیش راضی بود. از طرف دیگر فرصت اداره یک شرکت، هر چند نمایندگی، حتی اگر خیلی کوچک باشد، با حقوق بسیار بالاتر و سوسه‌اش می‌کرد. همسرش مریم گفت از هر تصمیمی که او بگیرد، در صورتی که راضی باشد، حمایت می‌کند. امید تصمیم گرفت برای راهنمایی بیشتر با پدرزنش که به سلامت نفس و استحکام نظر در ارائه مشاوره اشتها داشت، رایزنی کند. امید به وی، که اخیراً به همراه هیئت علمی دانشگاه از زیارت خانه خدا مراجعت کرده بود، خیلی احترام می‌گذاشت و امیدوار بود به او کمک کند. هنگامی که امید موضوع را تعریف کرد، پدرزنش در پاسخ وی گفت باید عقلش را از دست داده باشد که حتی فکر ترک شرکت مهرآوران را بکند و کارش را برای اقدام مخاطره‌آمیزی مانند پیشنهاد شرکت کیفیت یار رها کند. او معتقد بود که امید طی چند سال کار در یکی از شرکتهای معتبر کشور کاملاً تأمین می‌شده است و حقوق او برای تأمین زندگی خود و خانواده‌اش کاملاً کفایت می‌کند. وی به توضیحات امید گوش نمی‌کرد که این فرصتی است که وی می‌تواند نشان دهد با حقوقی خیلی بیشتر از درآمد کنونی خود چه می‌کند. وقتی صحبت با پدرزنش تمام شد امید از پنجره به بیرون خیره شده بود و هنوز سردرگم بود.

پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی علوم انسانی

پرسشهایی برای کندوکاو

۱. امید چه شیوه‌هایی باید به کار گیرد تا به او در تصمیم‌گیری کمک کند؟
۲. اگر شما به جای امید بودید کدام شرکت را برمی‌گزیدید؟
۳. امنیت شغلی امید در شرکت مهرآوران چقدر است؟
۴. آیا امید واقعاً می‌خواهد شرکت مهرآوران را ترک کند و شغل پیشنهادی شرکت کیفیت یار را بپذیرد؟ چه سخنهایی شما را به این پاسخ می‌رساند؟
۵. بهترین و بدترین حالت ممکن در آینده چیست؟





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی